

اسامی تبهکارانی که مسئول مستقیم کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران هستند

فرزند روح الله خمینی
عزری شهری
وزیر اطلاعات (ساواک)
۷-مشکینی
رئیس مجلس خبرگان
۸-حاج آقائیری
رئیس دادگاه های زندان اوین
۹-حاج آقاشرافی
دادستان مستقر در زندان اوین
۱۰-مصطفی پورمحمدی
نماینده وزارت اطلاعات (ساواک)
۱۱-مرتضوی
مسئول زندان اوین
۱۲-هنوز شناسائی نشده است.
۱۳-هنوز شناسائی نشده است.

انجامیده است. ما اسامی این جلادان را به مثابه مسئولین مستقیم کشتار، در پیشگاه مردم ایران و جهان و در پیشگاه تاریخ اعلام می کنیم:
۱-روح الله خمینی
۲-علی اکبر هاشمی رفسنجانی
رئیس مجلس
۳-موسوی خامنه ای
رئیس جمهور
۴-موسوی اردبیلی
رئیس شورای عالی قضائی
۵-سیداحمد خمینی

رژیم جمهوری اسلامی با کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران بزرگترین فاجعه ملی و بشری دهه های اخیر را برپا کرده است. کل این رژیم تبهکار مسئولیت این قتل عام مخوف را برعهده دارد. اما آن جنایتکارانی که مستقیماً در طراحی و تکمیل این تصمیم هولناک شرکت داشتند، جمعی از مقامات رژیم بوده اند که پی جویی مابه کشف اسامی غالب آنها

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران
به مناسبت هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان
در صفحه ۲

از جمعه سیاه ۸۰ روز گذشت

درست همان هنگامی که کشتار در زندان در جریان بود و مسلسل های دژخیمان یک دم از فریدن باز نمی ماندند، رژیم برای انحراف اذهان مردم جنگ روانی آزاردهنده ای را با بستگان زندانیان آغاز کرد. بدین ترتیب که در یکی از نخستین روزهای آبان ماه که به روال معمول آنبوه خانواده ها به امید بقیه در صفحه ۸

دو روز پیش از آن در روز چهارشنبه دوم آذرماه، پس از قریب یک ماه جنگ روانی - تبلیغاتی، زندانیان در تماس تلفنی با بستگان زندانیان سیاسی، از آنان خواستند که روز جمعه به مقرهای کمیته مراجعه کنند. به هریک از آنان اطلاع دادند که در چه ساعتهای و به کدام کمیته باید مراجعه نمایند.
یک ماه پیش از آن یعنی

در تهران خانواده های زندانیان سیاسی و شهیدان و مردم مبارز، جمعه چهارم آذرماه ۱۳۶۷، را "جمعه سیاه" و هفته ای را که از این روز آغاز گردید، "هفته سیاه" نامیده اند. زیرا نخستین بار در روز جمعه چهارم آذرماه بود که خبر کشتار زندانیان سیاسی به خانواده هایشان اطلاع داده شده و در سطح کشور پیچید.

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۶۷ برابر با ۱۳ فوریه ۱۹۸۹
بها ۶۰۰ ریال سال پنجم شماره - ۲۴۵

افتخار بر انقلاب بهمن!

ده سال از انقلاب بهمن گذشت و نیز ده سال از حیات ننگین حکومت فقها، واژه "نیز" در کانون این سخن، طنین درد انگیزی دارد. معنای آن چیست؟ فقها می گویند نیمه دوم جمله مبتنی بر نیمه اول است. "نیز" یک رابطه علت و معلولی را می رساند. آنها مدعیند که محصول بلا فصل و راستین انقلابند. پس مانده های رژیم پادشاهی نیز با فقها هموارند و با منطق مشابهی حلقه پیوند "نیز" را تفسیر می کنند. آنها از انقلاب آخوندی سخن می گویند و این که انقلاب خود مبداءش بوده است.

در تاریخ ایران - و نه فقط ایران - ای بسا پیش آمده است که پایان یک شر، آغاز خیری نباشد. این سخن لحنی ناامیدانه دارد و اگر به عنوان یک قاعده در نظر گرفته شود، حاکی از تقدیری است که از آن گریزی نیست. انقلاب، جوشش شور و جوانی و سربلندی است. ملت جوان می شود، خود را سبکبال و نیرومند می بیند و براراده، بریک اراده تاریخی، تکیه می زند.
بقیه در صفحه ۶

در این شماره

اعلامیه سازمان جوانان پیغام ایران:

خیزش نوین دانشجویی را

استمرار بخشیم

در صفحه ۳

با افشای هر چه وسیعتر کشتار جمعی زندانیان سیاسی مبارزه برای آزادی زندانیان را گسترش دهیم!

در صفحه ۸

ضد انقلاب افغانستان
در تدارک قتل عام

در صفحه ۱۰

شورای امنیت خواستار اجرای بلا درنگ قطعنامه ۵۹۸ شد

انگلستان ملاقات کرد. موارد مورد مذاکره روابط ایران و انگلستان و اوضاع افغانستان اعلام شد. وزیر خارجه رژیم خمینی قبل از عزیمت به نیویورک وارد اسپانیا شد.

طارق مزیز
امور خارجه عراق نیز که برای شرکت در اجلاس شورای امنیت در نیویورک بسر می برد، ملاقات هایی با اعضای دائمی و غیر دائمی شورای امنیت به انجام رساند و اعلام کرد که مذاکرات به زودی از سر گرفته خواهد شد. در روز شنبه ۱۱ فوریه اعلام شد که وزرای خارجه ایران و عراق توافق کردند که مذاکرات صلح در نیمه آوریل از سر گرفته شود.

عراق همچنین اعلام شد که سازمان ملل در نظر دارد طی چند هفته آینده نیروی نظامی مشترکی از افسران ایرانی و عراقی تشکیل دهد تا بر اجرای آتش بس نظارت کنند. فرماندهی این نیرو با ژنرال سلاو کوچویک اهل یوگوسلاوی خواهد بود. شورای امنیت از کشورهای ایران و عراق خواست که بلا درنگ قطعنامه ۵۹۸ را به اجرا در آورند و کلیه اسرا را آزاد کنند.

علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی که برای شرکت در جلسه شورای امنیت عازم نیویورک بود. روز سه شنبه ۷ فوریه (۱۴ بهمن) در لندن با جفری هاو وزیر خارجه

از روز جمعه ۱۴ بهمن شورای امنیت سازمان ملل متحد بررسی تلاش های اخیر خاویر پریز دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل متحد برای حل بن بست مذاکرات صلح بین ایران و عراق را آغاز کرد. اعضای شورای امنیت در این زمینه به تقاضای دبیر کل سازمان ملل و تماس وی با رئیس شورای امنیت انجام گرفت. دبیر کل سازمان ملل نتایج سفر اخیر فرستاده خود الیاسون به ایران و عراق را به اطلاع شورای امنیت رسانده است. شورای امنیت ماموریت نیروی ۳۵۰ نفری حافظ صلح سازمان ملل را تا پایان سپتامبر سال جاری تمدید کرد. با اعلام موافقت رژیم

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران به مناسبت هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان

رفقا و دوستان!

هجدهمین سال حیات سازمان پر افتخار مادر مسیر گلوله‌های خونریز دژ خیمان رژیم خمینی و در طنین حماسه سرودهای پایداری فدائیان خلق به پایان رسید. در هجدهمین سال حیات سازمان، رژیم ددمنش خمینی در جریان کشتار زندانیان سیاسی، از میان اعضاء کمیته مرکزی، انقلابی نامدار، رفیق انوشیروان لطفی و رفیق صمد اسلامی، و فدائیان پرسابقه و فداکار، رفقا محمدحسن دیانک شوری و حمید منتظری اعضاء مشاور کمیته مرکزی، و از میان کادرها و اعضا رزمندگان سازمان ما بیش از ۸۵ تن از رفیقان ما را به جوخه‌های اعدام سپرد. این جنایات که بیانگر هراس رژیم از آینده دشمنی همیق و دم‌افزون آن با اهداف و آرمانهای ترقی خواهانه مردم ماست، ننگ و انزجار بشریت را برانگیخته است. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت به پایداری حماسی زندانیان سیاسی درودی می‌فرستد. ما به فدائیان که سرود مقاومت حماسی‌شان در شکنجه‌گاه‌ها و میدان‌های اعدام رژیم طنین انداز شد، با سری افراشته و قلبی آکنده از فرور، درود می‌فرستیم. سنت پایداری در راه مردم و تسلیم ناپذیری در برابر دشمنان مردم توسط رزمندگان فدایی با خون و جان پاسداری می‌شود. این میراث پایداری و تسلیم ناپذیری در روزهای دشوار نوزدهمین سال حیات سازمان، نیرومندترین منبع الهام مادر حفظ یکپارچگی انقلابی و صلابت و رزمندگی سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است.

کمیته مرکزی سازمان فرا رسیدن هجدهمین سالگرد حماسه نوزده بهمن، روز بنیانگذاری سازمان را به همه اعضا و هواداران شادباش می‌گوید. در این روز خجسته ما همه اعضا سازمان را به تحکیم یکپارچگی و تقویت پیوندهای رفیقانه در سازمان و گسترش پیکار علیه رژیم فرا می‌خوانیم.

رفقا و دوستان!

در هجدهمین سال فعالیت سازمان، جنگ ایران سوز قطع شد و آتش بس برقرار گردید. اگر فشار جهانی و مبارزه مردم نبود و امکانات رژیم محدود نمی‌شد، این جنگ به این زودی قطع نمی‌گردید. اکنون نیز باید برای برطرف کردن عوامل جنگ به رژیم فشار آورد، چرا که آنها هنوز حالت جنگی در کشور را لغو نکرده‌اند. هنوز سرمایه کشور را در این راه مصرف می‌کنند. خرابکاری صدام و تحریکات خمینی مانع استقرار صلح پایدار است. برای حفظ آتش بس و استقرار صلح پایدار همچنان مبارزه کنیم! پایان گرفتن جنگ، خمینی جنگ جدیدی را علیه مردم ایران آغاز کرد و هولناک‌ترین تبهکاری را مرتکب شد که طی آن هزاران زندانی سیاسی ایران را به قتل رساند. در جریان این فاجعه ملی، بهترین فرزندان خلق، رهبران ما کادرها و اعضاء همه سازمانهای سیاسی ایران به شهادت رسیدند. اکنون مسئله آزادی‌های سیاسی، عمده‌ترین مسئله جامعه و مبرم‌ترین خواست جنبش است. در این شرایط فدائیان خلق ایران باید با همه نیروهای مبارز راه آزادی و سرنوشتی رژیم زبان مشترک پیدا کنند، در بسط همکاری و تامین شرایط اتحاد گسترده آنان در یک جبهه واحد مجدانه تلاش کنند.

رفقا!

سأطور خون چکان خمینی جلاد، اکنون خانواده هزاران زندانی سیاسی را در ماتم عزیزانشان نشانده است. پدران و مادران هزاران کودک در زندان‌ها به سر می‌برند و هر لحظه همر آنها با بیم مرگ آکنده است. بسیاری از این خانواده‌ها، در وضعیت نابسامان روحی و شرایط و خامت بار مالی و معیشتی بسر می‌برند. کمک به خانواده زندانیان سیاسی ایران و بازماندگان انقلابیون شهیدیک وظیفه مبرم انسانی، میهنی و انقلابی است. سازمان دادن مبارزات مردم و بویژه خانواده‌های زندانیان سیاسی و انقلابیون شهید که امروز در صف مقدم نیروهای توده‌ای در راه آزادی پیکار می‌کنند، از اهمیت سیاسی میرمی برخوردار است. اعضا و هواداران سازمان، بویژه در داخل کشور، امروز باید به این زمینه فعالیت روشنگرانه و سازمانگرانه بیش از پیش توجه نموده و در راه آن تلاش نمایند. افشای جنایات رژیم و دفاع از جان زندانیان سیاسی، از عرصه‌های اصلی نبرد علیه

دشمنی و ستیز رژیم خمینی با خواست‌های ترقی خواهانه و دمکراتیک اقتدار جامعه، محرک مردم در گسترش مبارزاتشان است. سلطه سیاه و نکبت بار استبداد مذهبی با همه ترور و اختناق خونینی که جامعه را به بند کشیده نمی‌تواند بر زندگی و پویندگی فائق آمده و بر جوششی که در بطن جامعه در فغان و در فوجاست راه فرو بندد. این جوشش‌ها بر زمینه بحران اقتصادی و اجتماعی‌ای که رژیم خمینی تشدیدکننده و تداوم بخش آن است و نیز زیر تأثیر تشدید تضادهای جناح‌های حاکم بالامی گیرند، در اینجا و آنجا سر باز می‌کنند و به نحوی گریز ناپذیر به سیلابی علیه رژیم بدل می‌شوند. فعالین سازمان باید خود را به جوشش‌های اعتراض آمیز مردم بیش از پیش متکی سازند و با تمام خلالت و قدرت ابتکار خود در راه سازمانگری اعتراضات مردم اهتمام ورزند در شرایط کنونی که رژیم سبانه علیه نیروهای انقلابی عمل می‌کند آنچه که دارای اهمیت اساسی است، جستجوی خلق اشکال تلفیق مبارزه مخفی با کار علنی است. ابتکارات گوناگون، کشف شیوه‌های حضور در سازمانها، جوامع و محافل توده‌ای دمکراتیک علنی و نیمه علنی، در هر کجا که محل حضور و اجتماع توده‌های مردم و محلی برای فعالیت‌های گسترده اجتماعی است، دارای اهمیت بزرگ و آینده ساز است. همچنین اهمیت دارد که به کار در میان روشنگران، بویژه در دانشگاه‌ها و مدارس کشور توجه بیشتری شود.

باید کار سازمانگرانه در کارخانه‌ها و محیط‌های زحمتکش را قوت بخشید. سخن پر اکنی سران رژیم درباره آزادی نباید کسی را متوهم کند که آزادی فعالیت انقلابیون توسط سران رژیم پذیرفته می‌شود. امانیادین واقعیت را از نظر دور داشت که رژیم مجبور است برای آزادی فعالیت جناحهای درون هیئت حاکم ملاحظاتی در نظر گیرد. باید از کوچکترین منفذ در فضای سیاسی کشور برای گسترش مبارزه علیه رژیم بهره گرفت. آنچه که در لحظه کنونی اهمیت دارد تنظیم میزان فعالیت و اشکال تبلیغات، تلفیق صحیح کار علنی و مخفی و رعایت اکید مقررات مبارزه مخفی به منظور خنثی کردن تلاشهای سرکوبگرانه رژیم است. به ویژه که رژیم تلاش کرده و می‌کند که فعالین جنبش و سازمان را ردگیری کند و به دام اندازد و به واحدهای سازمانی دست اندازی کند و آنها را متلاشی سازد. در برابر توطئه رژیم علیه فعالیت سازمان و واحدهای سازمان باید هشیار بود. در شرایط کنونی فدائیان خلق باید با اتخاذ ابتکارات جدید در همه زمینه‌ها، مبارزه مردم علیه استبداد را گسترش دهند.

رفقا!

سازمان ما در میدان رزم با دشمنان مردم تولد یافت و در چنین رزمگاهی نیز رشد و تکامل پیدا کرد. رشد و تعالی امروز و فردای سازمان نیز مشروط به کیفیت مبارزه‌ای است که در میدان اصلی نبرد علیه رژیم ولایت فقیه به پیش می‌بریم. گام‌هایی که برای برگزاری نخستین کنگره سازمان تاکنون برداشته‌ایم و همچنان بر خواهیم داشت، هر اندازه هم که پر اهمیت باشد نمی‌تواند و نباید بر آهنگ فعالیت مادر میدان اصلی نبرد تأثیر کند. بجا می‌گذارد اهداف عالی رزمجویانه و وحدت طلبانه‌ای که مادر برگزاری نخستین کنگره سازمان تعقیب می‌کنیم، مشوق کمیته مرکزی در جستجوی راهی است که به رهبری امکان دهد وظایف سیاسی و تعهدات جاری انقلابی را در قبال مبارزات مردم و فعالین سازمان پر توان تر و شمر بخش تر به انجام برساند. توانایی ما در تلفیق صحیح وظایف سیاسی و مباحثه درون سازمان در روند تدارک کنگره، ضامن برگزاری پیروز مندهانه نخستین کنگره سازمان ماست. کمیته مرکزی، همه کادرها و اعضاء سازمان را به تلاش خلاقانه برای تلفیق صحیح مباحث درون سازمانی و وظایف و تعهدات جاری سازمانی فرا می‌خواند.

خیزش نوین دانشجویی را استمرار بخشیم

رژیم فقاهاز بدو پیدایی اش با خشم و نفرت به دانشگاه، سنگر علم و آزادی می نگریست. در نخستین فرصت ممکن یعنی اردیبهشت ۵۹، هجوم خونین و وسیع مزدوران رژیم برای رها کردن سران حکومتی از کابوس دانشگاه آغاز شد. در همه سالهای بعد نیز فقاها هر آنچه توانستند، کردند تا دانشگاه را به تاریک اندیشی بکشانند، از جنبش مردمی جدا سازند و به خدمت ارتجاع درآورند. اما با گذشت زمان دانشگاه ثابت کرد که به هیچ روی نمیتوان خوار و ذلیلش نمود، به بند هقاید قرون وسطایی اش کشاند و فریاد آزادیخواهی اش را خاموش ساخت.

دانشگاه، در سال تحصیلی جدید چهره های تازه و خیزشی نوین را در جنبش انقلابی مردم ایران به نمایش گذارد. اعتصاب و تظاهرات دانشگاههای تهران، اصفهان، شیراز و تبریز را طی ماههای گذشته فرا گرفت. موضوع اعتراضات، وضعیت نابسامان آموزشی و بی اعتنایی مسئولین به خواستهای صنفی دانشجویان بود. موج اعتراضات در ۱۶ آذر، روز دانشجویان بالا گرفت. هلیرفم آنکه رژیم تجمع بیش از ۴ نفر را ممنوع اعلام کرده بود، دانشگاههای کشور صحنه درگیریهای دانشجویان با نیروهای سرکوبگر رژیم بود. دانشگاه اصفهان مدتها تحت محاصره پاسداران بود. مزدوران حکومتی در شیراز به ضرب و شتم و حشایانه دانشجویان اقدام کردند. در دانشگاه صنعتی و دانشگاه ملی تظاهرات وسیعی جریان داشت. تعداد زیادی از دانشجویان در جریان این اعتراضات دستگیر و روانه زندانها شدند. تنها در دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز ۵۰ نفر حکم تعلیق گرفته اند. در دانشگاه علامه طباطبائی تهران، دانشجوی مبارز، صادق بوذری در اعتراض به جنایات رژیم، با شعار مرگ بر خمینی جلا خود را به آتش کشید.

مردم در حمایت از دانشجویان، خبر اعتصابات و اعتراضهای آنان را به عنوان خیزشهای تازه دانشجویی علیه ستجری رژیم خمینی، دهان به دهان نقل می کردند. بازتاب سیاسی اعتراضات دانشجویان چنان گسترده بود که سران حکومتی مجبور به موضع گیری در برابر آن شدند. برخی شان به تهدید دانشجویان پرداختند و عده ای دیگر با وعده و وعید قصد تطمیع آنان را کردند.

دانشجویان آگاه و مبارز!

حرکت نوینی که از سوی شما در دانشگاههای کشور طی ماههای اخیر آغاز شده است، در شرایط حاکم خونی که رژیم جنایتکار خمینی در زندانهای کشور براه انداخته است، پرتو امیدی گرم در دلهای مردم زجر کشیده

رفقا!

هر روز بیشتر آشکار می شود که دشمن از پراکندگی و تفرقه ای که متأسفانه سازمانهای انقلابی دمکراتیک و ترقی خواه کشور دستخوش آنند به سود ادامه حاکمیت ستجگران خود بهره می گیرد. ما از اتحاد رزمجویان همه سازمانها و نیروهای انقلابی و ترقی خواه کشور پیگیرانه دفاع می کنیم. ما می گوئیم با گسترش اتحاد عملها و تشکیل جبهه وسیع متشکل از همه سازمانها و شخصیتهایی که برای صلح و آزادی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه مبارزه می کنند، روز فرخنده سرنگونی این رژیم را نزدیکتر و نزدیکتر کنیم. از این رو جلب همکاری و اتحاد عمل همه اعضا و هواداران سازمانهای انقلابی و ترقی خواه کشور در راس و وظایف فعالین سازمان در داخل و خارج کشور قرار دارد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه اعضا و هواداران سازمان را فرا می خواند که نوزدهمین سال حیات سازمانشان را با تلاش در راه بازسازی و نو سازی، یگانگی و یکپارچگی صفوفشان و وحدت اندیشه و عمل همه فدائیان خلق گرامی بدارند. کمیته مرکزی سازمان آرزو می کند که سال آینده سال بسط همکاریها و اتحاد عملهای رزمجویانه همه سازمانها و شخصیتهای انقلابی و ترقی خواه کشور و سال گسترش مبارزه مردم ما علیه هفريت استبداد و اختناق حاکم بر کشور ما باشد.

فرخنده باد هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

جاودان باد خاطره تابناک فدائیان شهید و همه شهدای خلق درو داتشین به زندانیان سیاسی

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۸ بهمن ۱۳۶۷

میهن ماست. مردم با شادمانی به یکدیگر نقل می کنند که بار دیگر دانشگاه به پا خاست. توده های مردم، تکیه گاه جنبش دانشجویی اند. تلاش کنید که خواسته ها، اعتراضات و اخبار مبارزات خویش را و سیاه بین مردم پخش کنید و حمایت و یاری آنان را در همبستگی با مبارزاتتان بطلبید. خواستهای شما برای آزادی در دانشگاه و تامین خواسته های صنفی و آموزشیتان، خواسته های همگانی جامعه و مورد حمایت مردم است. اعتراض شما علیه ترور و اختناق و جنایات رژیم فریاد همه مردم است.

هشیار باشید که رژیم از این خیزش نوین جنبش دانشجویی سخت بیمناک و به خشم آمده است. هر تدبیری که در آستین آخوندهای مرتجع یافت می شود، برای سرکوب مجدد دانشجویان به کار خواهند گرفت. وحدت همگانی دانشجویان را با هر فکر، عقیده و مرامی که هستید حول خواسته های همومی تان حفظ کنید. هر توطئه رژیم برای تفرقه اندازی در صفوف تان را با درایت خنثی کنید. حمایت استادان و کارکنان علمی و اداری دانشگاه را برای پیشبرد مبارزاتتان جلب کنید.

اخبار مبارزات و اعتراضات مراکز آموزش عالی در سراسر کشور را در دانشکده تان منعکس کنید. تجارب مغید و نارسایی های حرکات آنها را بررسی کنید. تجربه دور اخیر مبارزاتتان نشان داد که ارتباط مراکز مختلف دانشگاهی با یکدیگر چه تاثیرات مثبتی در جهت حمایت و همبستگی از یکدیگر و هماهنگی حرکات دانشجویی دارد.

وظیفه عناصر فعال و با تجربه در هر دانشکده و در درجه نخست دانشجویان پیشگام است که در جهت تحکیم و گسترش هسته مخفی دانشجویی تلاش بیشتری کنند. این هسته های مخفی با توجه به شرایط استبداد قرون وسطایی حاکم بر دانشگاه و جامعه باید در جهت هدایت و سازمانگری مبارزات دانشجویان فعالیت کنند، در جهت ایجاد تشکلهای علمی و توده ای در خوابگاهها و مراکز دانشگاهی اقدام کنند، متناسب با سطح خواسته ها و مبارزات دانشجویی در هر محل شعارها و تاکتیک های متناسب برای پیشبرد فعالیت ها تعیین کنند و در یک کلام به مثابه اتحادیه مخفی دانشجویی کار و فعالیت کنند.

حرکت نوینی را که آغاز کرده اید با اطمینان و با امید به پیروزی پی بگیرید. برای ایجاد دانشگاه مستقل و بدور از دخالت های مرتجعین حاکم، دانشگاهی که سنگر علم و آزادی است، مبارزات خود را ادامه دهید. مردم ایران پشتیبان مبارزه شماست.

گسترده باد مبارزه دانشجویان در راه صلح، آزادی و سرنگونی رژیم خمینی مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش انقلابی خلق کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران دی ماه ۱۳۶۷

آزادیخواهان افغانستان

بقیه از صفحه آخر

مشحون از احساسات ژرف در همبستگی با مردم ایران است. علاوه بر این بیش از چهار صد تن از شخصیت های سیاسی، فرهنگی، علمی، هنری و نمایندگان و اعضای سندیکاهای کارگری، تشکلهای زنان و... با ارسال نامه ای به دبیرکل سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و سازمان هفو بین الملل خواستار اقدامات عاجل برای جلوگیری از تداوم کشتار گردیده اند. ما با تدرانی همیق از این همبستگی شور انگیز، متن نامه مزبور را در زیر درج می کنیم:

جناب آقای خاویر پرز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد - کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد - سازمان هفو بین الملل افکار عمومی در سرتاسر جهان از طریق رسانه های گروهی و سازمانهای بین المللی با خبر شده اند که رژیم جمهوری اسلامی

با نقض اعلامیه جهانی حقوق بشر و زیرپانهادن موازین انسانی، دست به کشتار پنج هزار زندانی سیاسی در ایران زده است. بنا بر گزارشهای رسانه های گروهی بین المللی و اطلاعات منتشره از سوی سازمانهای سیاسی ایرانی، زندانیان سیاسی، که برای دموکراسی و سعادت مردم ایران می رزمیدند، شکنجه گردیده و سپس اعدام شده اند. ما جمعی از شخصیتهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی افغانستان، به نام دفاع از حق حیات، به نام دفاع از آزادی و شان انسانی، با امضای این نامه از شما می خواهیم که برای پایان دادن به شکنجه و اعدام در جمهوری اسلامی ایران دست به اقدام بزنید. ما از شما می خواهیم که از جانب کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، هیاتی را به ایران اعزام کنید تا در مورد وضعیت زندانیان سیاسی در این کشور، تحقیق به عمل آورند.

آزادی زندانیان سیاسی به سبک جمهوری اسلامی

مردم در جمهوری اسلامی محرومتر

از کشورهای عقب مانده جهان

جمهوری اسلامی "از نظر تعداد نسبی تخت بیمارستانی، محقق، دکتر، دانشگاه، ورزشگاه، مراکز درمانی و بهداشتی، تولید انرژی، تعداد سد، طول راه آهن و جاده اسفالت، تعداد نیروگاهها و سایر عوامل و نهادهای توسعه و پیشرفت از قالب کشورهای جهان سوم نیز محرومتر و عقبتر" است. این ارزیابی روز چهارشنبه ۲۸ دی در مجلس جمهوری اسلامی شد. سخنران در ادامه با اشاره به قرارداد ۱/۵ میلیارد دلاری خرید قطعات پژو از فرانسه، افزود: "بیا با هم باید نفت را استخراج کنیم و بفروشیم و ارز حاصل از آن را بدهیم و اتومبیل سواری پژو وارد کنیم؟ و هوافضا را هم بفروشیم و بگذاریم تولید، کدام تولید؟" وی در تفسیر قرارداد ایران و فرانسه توضیح داد که بر اساس توافق طرفین قرار شده است "فقط ۱۰ تا ۱۵ درصد آن در کشور صورت گیرد و ۸۵ تا ۹۰ درصد آن مستقیماً خارج وارد شود."

"این در حالی است که نیروگاه هسته‌ای بوشهر با انجام هزینه سه میلیارد دلاری و یکصد میلیارد ریال از ذخایر کشور به صورت نیمه تمام سالها رها شده و در انتظار یک میلیارد دلار ارز یعنی کمتر از یک صدم درآمد ارزی بعد از انقلاب به سر می برد."

وی در بخش دیگری از سخنان خود فاش ساخت که بر اثر بی مبالایی رژیم مردم استانهای جنوبی و استان بوشهر دچار کمبود شدید آب هستند و هر متر مکعب آب در استان بوشهر ۲۵۰۰ ریال خرید و فروش می شود.

میزان ارزش زندگی یک انسان و حد

آزادی بیان در رژیم جمهوری اسلامی

کیهان ۱۰ بهمن ۱۳۶۷

نامه امام به مدیر عامل صدا و سیما
بخط پخش یک برنامه
توهین آمیز از رادیو

در پی پخش برنامه‌ای توهین آمیز به عنوان «الگوی زن مسلمان» از صدای جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام نامه‌ای به مدیر عامل صدا و سیما ارسال داشتند.

«من نامه‌ای به مدیر عامل صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر است:

بسمه تعالی

آقای محمد هاشمی مدیر عامل صدا و سیما جمهوری اسلامی، با کمال تألم و تأثر روز گذشته از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردیده است که انسان شرمناک بازگو نماید. فردی که این مطلب را پخش کرد است تزییر و اخراج می‌گردد و مستاندر کار آن تزییر خواهند شد. در صورتیکه ثابت شود قصد توهین در کار بوده است پلاک فرد توهین کننده محکوم به اعدام است. اگر باردیگر از این گونه قضایا تکرار گردد موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید و جدی مسئولین بالادست صدا و سیما خواهند شد. البته هر تامی زمینه‌ها قوه قضائیه اقدام می‌نماید.

روح الله الموسوی الخمینی

۱۳۶۷/۱۱/۸

اسیر مردم بخاک افکنده شدند، در پاسخ به وزیر اطلاعات خود نوشته است:

جناب حجت الاسلام آقای ری شهری وزیر محترم اطلاعات

دامت افاضاته

با پیشنهاد شما مبنی بر هغو همومی زندانیان گروهکی موافقت می‌شود و امیدوارم خانواده‌های محترم زندانیان گروهکی فرزندان خود را نصیحت کنند تا دست به کارهایی نزنند که موجب ناراحتی مجدد خود و خانواده‌هایشان گردد. انشاالله مسئولین نظام جمهوری اسلامی با مهربانی و با برادری با آنها برخورد نموده و با ایجاد تسهیلات شغلی موجب دلگرمی آنان گردند. از خداوند متعال می‌خواهم راه هدایت و درستی را نصیب همه بفرماید.

والسلام علیکم

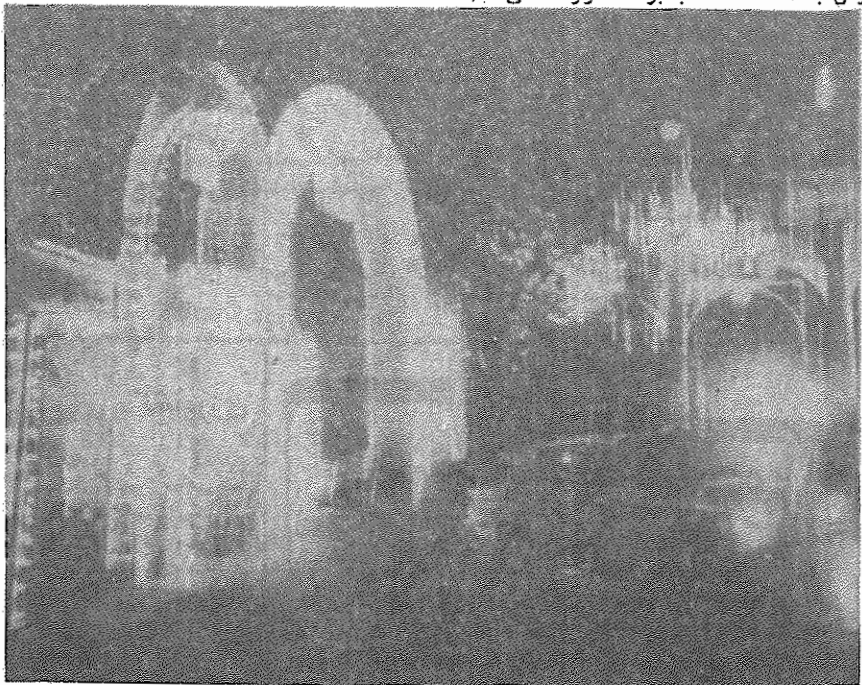
۱۹/۱۱/۶۷ روح الله موسوی خمینی

تقاضای مردم برای شرکت در مراسم "نور افشانی"

خواهد شد "و آگهی شده است که: "امشب در ساعت ۱۸/۳۰ دقیقه (میدان‌های آزادی، امام خمینی، انقلاب، تجریش، سیزده آبان، شوش، امام حسین، نبوت، نازی آباد، نوبنیاد، محمدیه (اهدام)، راه آهن، ولی عصر و شهرری) برنامه نور افشانی بطور گسترده و در زمین و هوا اجرا می‌شود که برای عموم جالب خواهد بود. بنابراین از همه علاتمندان دعوت می‌کنیم برای دیدن این برنامه به یکی از محلهای یادشده مراجعه کنند."

(کیهان ۱۱ بهمن)

جمهوری اسلامی به روال هر ساله خود ده روزی را که از ۱۲ بهمن (روز ورود خمینی به ایران) شروع و به ۲۲ بهمن ختم می‌شود را جشن می‌گیرد و آنرا "دهه فجر" نامگذاری کرده است. امسال رژیم خود را بیش از هر زمان دیگر به تبلیغ و ارائه برنامه‌های جذب کننده محتاج می‌بیند و حتی به شیوه‌هایی متوسل می‌شود که کمتر در این رژیم سابقه داشته است. در روزنامه‌های رژیم از قول "مسئول واحد نور افشانی ستاد دهه فجر" اعلام شده است که: "علاوه بر مراکز استان‌های کشور، در تهران به مدت سه شب برنامه نور افشانی اجرا



در حالی که مردم در ظلمت و سرما به سر می‌برند و از داشتن نور یک لامپ و چراغ نفتی محرومند، جمهوری اسلامی طاق نصرت بسته و چراغانی کرده است

اعدام بیش از ۱۵۰ نفر به اتهام قاچاق مواد مخدر

۹ بهمن	صبح امروز در ملاعام اعدام شدند.	هیاهوی تبلیغاتی رژیم در مورد مبارزه با اعتیاد که خود رابه شکل اعدام گسترده قاچاقچیان به نمایش گذاشت در طی هفته گذشته نیز به وسعت ادامه داشت. و رقم قاچاقچیان اعدام شده در هفته گذشته به بیش از ۱۵۰ رسید.
۹ بهمن	"شش قاچاقچی حرفه‌ای مواد مخدر به دار مجازات آویخته شدند"	مادر شماره‌های گذشته نشریه، اهداف جمهوری اسلامی از برانداختن هیاهوی تبلیغاتی مبارزه با اعتیاد را مورد بررسی قرار دادیم، برای ارائه تصویری از ابعاد این قبیل اقدامات تنها به ذکر تیترا، اخبار درج شده در این زمینه در روزنامه کیهان تنعادر طول سه روز متوالی می‌پردازیم:
۱۰ بهمن	"۴ قاچاقچی مواد مخدر در کرمان، گلباف، گنبد و بجنورد اعدام شدند"	"۱۲ عضو باند "هیاران" کرج دیروز اعدام شدند"
۱۰ بهمن	"۵ سارق مسلح در تبریز به دار آویخته شدند"	"دو قاچاقچی در بندرعباس اعدام شدند"
۱۰ بهمن	"۵ سارق مسلح افغانی در مشهد اعدام شدند"	"دو قاچاقچی در بندرعباس اعدام شدند"
۱۱ بهمن	"دو قاچاقچی در بندرعباس اعدام شدند"	"یک قاچاقچی افغانی اعدام شد"
۱۱ بهمن	"۲ عامل نساد و فحشاء در میدان آزادی ملایر در ملاعام به دار آویخته شدند"	"۵ تن از قاچاقچیان مواد مخدر در بندرعباس اعدام شدند"

مذاکرات مربوط به درگیری‌های لبنان

ممچنین پذیرش اقتدار امل بر جنوب لبنان توسط حزب الله اعلام کرد. گروهان گیری اتباع کشورهای غربی نیز از هلال درگیری‌ها ذکر شده است.

در روز دوشنبه ۱۰ بهمن بیانیه اجلاس مشترک هیات‌های ایران، سوریه، امل و حزب الله انتشار یافت. در این اجلاس از سوی جمهوری اسلامی، ولایتی وزیر امور خارجه و از جانب سوریه فاروق الشرح شرکت داشتند. مفاد موافقتنامه منتشر شده مبین تسلیم حزب الله به شروط امل است. بر طبق موادی از این موافقتنامه، اقتدار جنبش امل بر جنوب لبنان از طرف حزب الله به رسمیت شناخته شده است و نسبت به هدم تعرض به نیروهای سازمان ملل در لبنان و نیز افراد وابسته به سازمانها و هیات‌های بین‌المللی اعلام تعهد شده است. بنابر اعلام قازی کنعان رئیس اطلاعات ارتش سوریه عاملین ترور ۳ تن از فرماندهان امل تحویل نیروهای سوریه شده‌اند.

برای پایان دادن به درگیری‌های خونین بین جنبش امل و حزب الله لبنان مذاکرات چهار جانبه‌ای بین نمایندگان دولت سوریه، جمهوری اسلامی، جنبش امل و حزب الله لبنان در روز شنبه ۸ بهمن در سوریه آغاز شد. در این درگیری‌ها تاکنون جمع گشوی از طرفین کشته شده‌اند و اردوگاه‌های حزب الله در جنوب لبنان به محاصره نیروهای امل درآمده است. برخی اتباع کشورهای غربی که توسط حزب الله به گروهان گرفته شده بودند در این اردوگاهها نگهداری می‌شدند. رژیم ایران برای نجات نیروهای حزب الله که از نظر نظامی در موقعیت وخیمی قرار گرفته‌اند متعاهلی تلاش خود را به کار گرفته است. برخی جراید جنگ امل و حزب الله را جنگ پنهان رژیم‌های سوریه و ایران قلمداد کرده‌اند.

"احمد حرب" عضو رهبری امل شرط پایان جنگ با حزب الله را تحویل متهمین ترور سه نفر از اعضای رهبری جنبش امل به نیروهای سوریه و

سالانه ۴۰ هزار کارگر بر اثر

حوادث کار معلول می‌شوند

بر اساس آمار سازمان تامین اجتماعی سالانه ۴۰ هزار کارگر در واحدهای صنعتی بر اثر حوادث ناشی از کار دچار آسیب جسمانی میشوند و بصورت معلول جسمی در می‌آیند.

هفته گذشته در کنگره سراسری طب صنعتی و بهداشت حرفه‌ای که برای نخستین بار در کشور در یزد برگزار شد، دکتر وحیدی دبیر کنگره اظهار کرد که گزارش سازمان تامین اجتماعی شامل آمار همه کارگران آسیب دیده نیست و تصریح کرد که علیرغم اطلاع دولت از رقم بی‌سابقه آسیبهای جسمی کارگران در محل کار، در "قانون جدید کار" اصول بهداشت حرفه‌ای و ایمنی صنعتی پیش‌بینی نشده است و با تنوع حرف و مشاغل اهم از صنعتی، معدنی، صغنی، اداری و خدماتی در شرایط فقدان ضوابط بهداشت حرفه‌ای، بروز حوادث و بیماریهای متنوع شغلی افزایش یافته است.

صفحه حوادث مطبوعات دولتی هر هفته با گزارش آسیب دیدگی کارگران در محل کار به هلت نبود و سایل ایکنی همراه است. به هلت فقدان سازمانهای صنی کارگری و هدم حمایت دولت از حقوق کارگران، کارفرمایان با تامین حداقل امکانات ایمنی در محیط کار مخالفند. هم مراکز "کار" بخش خصوصی و هم مراکز دولتی هر دوره آبستن حوادث تلخ برای کارگران است. بنابر گزارش روزنامه کیهان ۲۱ دی، ۳ تن از کارگران هفته گذشته در زیر آوار ساختمان مرکزی سازمان مسکن جان باختند. مرگ این کارگران آتیم در "ساختمان مرکزی سازمان مسکن" بیانگر همق توجه دولت به سرنوشت کارگران است.

هفته گذشته در "سمینار مسئولان و مدیران کل صنایع کشور" که با حضور شافعی وزیر صنایع سنگین در اهواز برگزار شد، فاش گردید که اقدامات جمهوری اسلامی در کارخانجات به خودکشی عده‌ای از کارگران منجر شده است. معاونت جنگ وزارت صنایع گفت: "حدود ۲ سال پیش که به دلیل بحران ارزی تعدادی از صنایع به تعطیل کشیده و از این نظر عده‌ای از کارگران اخراج شدند، ماباعده‌ای از بیکارانی که مبادرت به خودکشی و خودسوزی کردند مواجه شدیم." تعداد کارگران اخراجی در سال ۶۴ تنها از کارخانه ایران ناسیونال ۶۵۰۰ نفر بود.

اعلام جرم ۱۳۷ نماینده مجلس

به دنبال درج مذاکرات مربوط به بودجه در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روزنامه رسالت، ۱۳۷ تن از نمایندگان طی نامه‌ای نسبت به این روزنامه اعلام جرم کردند. در نامه آنها آمده است: "... برخلاف مصالح حالیه کشور روزنامه رسالت در شماره ... اقدام به درج مطالب محرمانه و افشای مسائل سری مربوط به آمار و ارقام و تنگناهای اقتصادی کشور نمود که قطعاً این اقدام خائنانه جز ضرر و زیان برای اسلام و مسلمین و خدمت به دشمنان انقلاب اسلامی ثمره دیگری در بر نداشت ..."

کمک‌های مالی رسیده

دانمارک

۱۵۰ کرون
۱۲۰ کرون

ن. کوچولو از کپنهاک برای کمک به واحدهای فدائی داخل کشور ح. ن. از کپنهاک برای کمک به خانواده‌های زندانیان سیاسی کانادا

از شهر تورنتو برای کمک به خانواده‌های زندانیان سیاسی کاوه و یاشار از شهر تورنتو برای کمک به نشریات کار و اکثریت از شهر تورنتو

آلمان فدرال

۸۰ دلار
۱۰۰ دلار
۱۳۱ دلار

بهنام
صباکوچولو

"درو بر زندانیان سیاسی ایران" از محل درآمد حاصل از یک جشن

در شهر الدنبرگ

۱۴۰ مارک
۲۰ مارک

"به یاد رفیق انوش" جهت کمک به خانواده زندانیان سیاسی

۶۲۰ مارک
۵۲۰ مارک

بقیه از صفحه اول

شکست انقلاب، به رواج تقدیرگرایی دامن می‌زند. به آن "نیز" که در بالا بدان اشاره داشتیم، یک بار چلی داده و شر را به نفس اقدام برای برانگیدن شر تسری می‌دهد. باید به نحوی پیگیر به نقادین تقدیرگرایی نشست.

چرا باید انقلاب بهمن را گرامی داشت؟

انقلاب بهمن بزرگترین رویداد تاریخ معاصر ایران و در زمره پر اهمیت ترین رویدادهای کل تاریخ کشور کهن سال ماست. انقلاب بهمن به رژیم سلطنتی پایان داد، به رژیم ۲۵۰۰ ساله که همواره کوشش می‌شد جزئی از هویت ملی ما قلمداد شود. این انقلاب چنان دستگاه حکومت پادشاهی را در هم نوردید که دیگر جایی برای هودت آن باقی نمانده است. همین امر انقلاب بهمن را به یک افتخار تاریخی بدل می‌سازد که مایه مباهات همیشگی ماست.

انقلاب بهمن از انقلاب مشروطیت - که خود انقلابی هلیه شاهان بود - بسی فراتر رفت. وسیع ترین توده‌ها را به میدان آورد و از نظر عمق توده‌ای خود باعث شکستی جهانیان شد. شاه در اوج اقتدار خود سرنگون گردید، در زمانی که "حزب فراگیر" خود را تاسیس کرده و دستگاه سرکوب خود را به نهایت قدرت و گستردگی رسانیده بود، در زمانی که دامنه سرکردگی در منطقه را داشت و نقشه‌های دور و درازی برای استقرار "تمدن بررگ" خود چیده بود. باید بر این نکته تاکید کنیم و بگوییم مردم، ما توانستیم و باز هم خواهیم توانست!

انقلاب بهمن شکست خورد، اما این زمین لرزه چنان هضمیم بود که تکانه‌های آن هنوز پابرجایند. این انقلاب چنان صلابت داشت که ضدانقلاب را نیز واداشت به زبان انقلاب سخن گوید. امروزه روز حتی پس‌مانده‌های رژیم سلطنتی ناگزیرند با واژگانی سخن گویند که ارمغان انقلاب بهمن بوده است. شگفت نیست که آنها نیز دم از آزادی و عدالت و استقلال می‌زنند؟ انقلاب بهمن مهمترین نقطه عطف تاریخ معاصر ایران است. اکنون هیچ نیرویی آنگونه نیست که پیش از انقلاب بود. حتی افراد نیز ناگزیرند زندگی خود را به

افتخار بر انقلاب بهمن!



دودوره اصلی پیش از ۵۷ و بعد از ۵۷ تقسیم کنند. انقلاب بهمن اقدامی آگاهانه بود. مردم می‌دانستند که چه چیزی را نفی می‌کنند. اما همانقدر که نفی به اختیار بود رای دادن به جمهوری اسلامی و پذیرش رهبری خمینی با توهم آمیخته بود. این انقلاب، سرباز کردن همه دردها و رنج‌های بر روی هم انباشته بود؛ انفجاری بود که ماده منفجره آن نفرت تاریخی مردم از سلطنت، از سرسپردگی به امپریالیسم و سیادت سرمایه بزرگ بود. مردم خود، برانگیخته شده و خود به حرکت درآمدند. انقلاب بهمن اصالت توده‌ای کم نظیری داشت. انقلاب، ارکان سیادت سرمایه را به لرزه درآورد. سرمایه و سرمایه‌دار را چنان در معرض نفرت قرار داد که هنوز هم که هنوز است حتی بورژوازی ترین نیروی

سیاسی در ایران خود را مجبور می‌بیند چهره پنهان کند و در زمینه عدالت و محدود کردن سرمایه وعده دهد. به همینسان امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا آماج حمله و نفرت مردم قرار گرفت. انقلاب مزه آزادی را برای چند صباح هم که شده به مردم چشاند و این لفظ را بسی ارجمند ساخت. انقلاب مردم را به قدرت خودشان واقف کرد و تجربیات بس گرانقدری به همراه آورد. واژه‌هایی وارد قاموس مردم شدند و هنجارهایی در رفتار و زندگی مردم ره یافتند که تا پیش از آن ناشناخته بودند. مردم همه اینها را در حافظه تاریخی خود ثبت کرده‌اند. طبقه کارگر به دلیل موقعیت خود بیش از سایر طبقات و اقشار مردم این قدرت را دارد که این تجربیات را پاس دارد و به

هنکام آنها را به کار گیرد.

مردم ایران در جریان انقلاب بهمن نشان دادند که فراموشکار نیستند. آنها در برابر دستگاه سلطنت پرونده‌ای ۲۵۰۰ ساله نهادند و همه نفرت‌های دیرینه را زنده کردند. آنها نشان دادند وقتی عمل کنند بی محابا عمل می‌کنند و از جسارت و شهامت شگفتی بر خور دارند. آنان در برابر فقها نیز چنین رفتار کرده و هیچ یک از ستمهای امروزی را فراموش نخواهند کرد. تجربه شکست در دناک انقلاب بهمن بر جامعیت حافظه تاریخی مردم افزوده است و این بار مردم با وسواس بیشتری در می‌نگرند که در فراراه آنها چه چشم انداز هایی گشوده می‌شود.

حکومت فقها:

ضرورت یا عارضه؟

گفتیم که هم فقها و هم سلطنت طلبها بین انقلاب بهمن و حکومت اسلامی رابطه‌ای مطلقا اجتناب ناپذیر برقرار می‌کنند. این یکی می‌خواهد خود را محصول بلا فصل انقلاب قلمداد کند و آن دیگر می‌خواهد به بهانه سیاهکاری حکومت پس از انقلاب، خود انقلاب را اسبابه جلوه دهد.

شکل گیری حکومت فقها به نحوی ضرور از نفس انقلاب، ناشی نشده است. در برابر جامعه ما به راستی ممکن بود که امکانات تاریخی دیگری پدید آید. نگاهی به تاریخچه انقلاب و این که چگونه شد که خمینی بر روی آن سوار گردید، این نکته را به اثبات می‌رساند. اما آخوند هابیر انقلاب بی سبب و بی اسباب میسر نشد. مردم آنگاه از انقلاب بهمن در سبای لازم را خواهند گرفت که از نقد حکومت پس از انقلاب، به نقد خود انقلاب بپردازند و دریابند کدام ضعفهایشان قوت گیری فقها را موجب گردید.

حکومت فقها ضرورت نبود اما عارضه هم نبود. آخوندها از آسمان فرو دنیا آمدند و بر روی دست مردم به کانون قدرت پرتاب شدند. آنان نماینده جامعه و نماینده انقلاب ما نبودند. ضعف نمایندگان راستین جامعه و انقلاب ما قوت آنان را موجب شد. تا آن حد که این ضعف تاریخی اجتناب ناپذیر بود از قدرت گیری ملاحه‌گریزی نبود.

آیا حکومت فقها شایسته جامعه ماست؟

هگل زمانی گفته بود: هر واقعیتی معقول است و برعکس. کوه بیابان زمانه از این سخن هگل نتیجه گرفتند که شایسته هر جامعه حکومتی است که بر فراز خود نشانده است. اما عقلانیت تنها آن هنگام در تاریخ جای خود را باز می‌کند که انسان از قلمرو ضرورت به قلمرو آزادی پانواده باشد. در نقد برداشت ایستا از این سخن هگل همین کافی است که به حکومت فقها در ایران اشاره شود.

این حکومت یک واقعیت است، آنهم یک واقعیت هولناک. تا مدت‌ها گمان می‌شد که شوخی است: آخوند و حکومت؟ مگر می‌شود؟ شوخی هم اگر باشد تلخ‌ترین شوخی تاریخ است.

این حکومت یک واقعیت است، اما آیا شایسته جامعه ما چنین پدیده‌ای است؟ آیا این پدیده، پدیده‌ایست معقول؟ آیا معقول است که چنین پدیده‌ای از دل آن انقلاب عظیم بر خیزد و بر جامعه ما حکمروا گردد؟

طرح این سؤال از آن رو اهمیت دارد که امروزه روز، در شرایط شکست انقلاب، کسانی از سرباس از نقد حکومت به شکلی منفی به نقد جامعه رسیده‌اند و می‌گویند جامعه ما با چنین پدیده‌ای تقاص عقب‌ماندگی خود را پس می‌دهد. زیربنای دسته‌ای از تحلیل‌های رایج، این اندیشه است که در جامعه‌ای همچون ایران از دیکتاتوری گریزی نیست.

جامعه ما عقب‌ماندگی‌های بسیاری دارد و اگر آگاهی به هیچ گرفته شده و صرفاً بر روی خودانگیختگی حساب باز شود، ممکن است باز عقب‌ماندگی‌ها تأثیر مهمی بر روی حوادث آینده

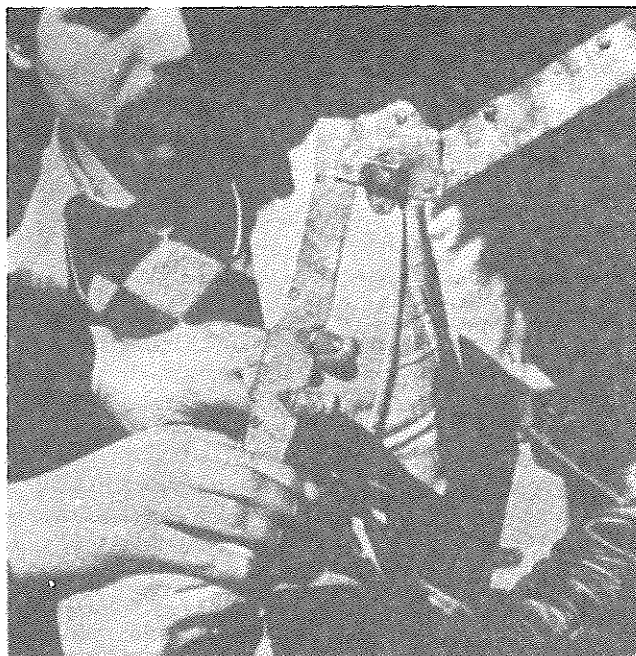
بگذارند. باید به نقد عقب‌ماندگی‌ها بنشینیم و از جمله در خودمان آنان را باز یافته و به جبران‌شان پردازیم.

اما عقب‌ماندگی محور واقعیت‌های جامعه ما نبوده و نیست. این فقها بودند که عقب‌ماندگی‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جامعه ما را واجستند و کوشش کردند به آنها قلبه دهند. جامعه ما علی‌رغم همه پس‌افتادگی‌هایش شایستگی‌های تاریخی والایی

برخوردار بود و به راستی اگر در جریان انقلاب مسیر دیگری می‌یافت، سریعاً می‌توانست ماندباها را لایروبی کند، آبی زلال به روی آنها بگشاید و بسی مردابها را بخشکاند. فقها قورباغه‌های نفرت‌انگیز مردابهای موجود در جامعه مایند. آنها می‌کوشند توفندگی و حرکت جامعه را فرو بنشانند و همه جا را به مرداب تبدیل کنند. این تلاشی هبث است که سرانجام آنان را از پا در خواهد آورد. آنها در این مصاف بازنده‌اند.

گسترش امید به فردا

ارتجاع سیاسی عامل تغذیه و تقویت همه جلوه‌های ارتجاع در جامعه ماست. هر پیشرفتی در جامعه ناگزیر است با سیاست حاکم مقابله کند. سرنگونی رژیم فقها شرط اصلی حرکت جامعه ما رو به پیش است. در حرکت آینده، مردم بیش از هر چیز به تجربه‌های انقلاب بهمن رجوع خواهند کرد. نیروهای انقلابی نیز باید برای آگاهی یافتن و آگاهی دادن مدام به



دستگاه ناخن کشی ساواک، جمهوری اسلامی میراثدار این آلات شکنجه شد و مخوف‌تر از آنها را بکار انداخت

قرار دهند و کدام پیش‌داوری‌ها را باید کنار زنند. هر قدر حافظه تاریخی مردم تقویت شود، از احتمال تکرار خطاهای گذشته کاسته خواهد شد.

بی‌گمان حرکت فردا المثنای حرکت بهمن نخواهد بود. تفاوت‌هایی جدی پدید خواهد آمد و از جمله شعور طبقاتی نشانی بس جدی‌تر ایفا خواهد کرد.

تنها ضامن اصلی جلوگیری از خطاهای گذشته آگاهی و تشکل است.

برای حرکت به پیش باید امید به آینده را گسترش داد و مفهوم انقلاب را در ذهن مردم جلا بخشید. اکنون به دلیل فرو ریختن آوار انقلاب شکست خورده، قبار فلیظی بر روی مفهوم انقلاب نشسته است. نفرت مردم از رژیم بسی عمیق است و اثر سنگینی آوار فرو ریخته نبود، مردم دست به کاری می‌زدند که کارستان باشد. در جریان جلا بخشیدن دوباره به مفهوم انقلاب در ذهن مردم، باید در درجه نخست بگوییم: از انقلاب بهمن و به خاطر آن سربلند باشید. شاهان را از پا آورید، شیخان را نیز می‌توانید سرنگون کنید. وضعی اگر بودند در حرکت بلکه در تشخیص و ترسیم مسیر آینده بود. انقلاب بهمن انقلاب شماسست و نه معجزه شیخان. خمینی مقتدرتر از شاه نیست و نکته مهم این است که مردم اکنون بسی آگاه‌تر از آن هنگامند که علیه شاه قیام کردند.

این تجربه‌ها رجوع کنند و به مردم بگویند کدام داوری‌ها را باید ملاک



شعله ستم سوز، این شعله اکنون در قلب مردم حرارتی صد چندان یافته است و آتش بر بیت جماران خواهد افکند

از جمعه سیاه ۸۰ روز گذشت

رفت. وقتی که برگشت یک ساک در دستش بود که دستهای مرتعشش توان نگهداری آن را نداشت. عضلات صورت بی‌رنگ شده‌اش، منعقب شده بودند. در برابر آن همه نگاه پرسشگر، هیچ حرفی نمی‌توانست بزند. با چشمان تکی از اشک، ناباورانه فقط به جمعیت نگاه می‌کرد... دومین نفر مرد پیری بود که پسرش زندانی بود. وقتی که دقایقی بعد بیرون آمد در همان چارچوب در کمیته، ساک و وسایل پسرش را سردست گرفت و تلوتلو خوردن به پیش، به میان جمعیت آمد. کوشید فریاد بزند، ولی نتوانست. با صدای لرزان تنها گفت: دوسال محکوم بود، حالا اعدامش کردند. بدنبال این حرف پیرمرد نقش زمین شد... دیگر همه فهمیدند چه پیش آمده است و آنها را برای چه‌را خوانده‌اند. جمعیت از خشم می‌لرزید و از درد می‌گریست.

بدینگونه جمعه چهارم آذرماه، جمعه سیاه جنبش شد. در این روز بر سینه گروه بیشمار از مردم داغ نشانده. رقم ساکها و بسته‌هایی که در این روز تنها در شش کمیته تهران به خانواده‌ها داده شد چنین است:

کمیته زنجان ۲۵۰ ساک
کمیته خاوران ۲۵۰ ساک
کمیته گل صحرای ۴۵۰ ساک
کمیته نازی آباد ۳۰۰ ساک
کمیته تهران پارس ۳۵۰ ساک
کمیته شمیرانات ۴۵۰ ساک
باور نکردنی است، اما این تنها شمه‌ای از جنایات خمینی است.

روزهای شنبه و یکشنبه پنجم و ششم آذر از زندان هیچ خبری داده نشد. در آن دوروز زندانیان دادن خبر را متوقف کردند. در آن دوروز در منازل خانواده‌های داغدار، دسته‌های گل بود که می‌آوردند. بعضی از اعضای خانواده‌ها به خاوران رفته بودند. آنها بی هیچ نشانی، در خاوران گور هریز خود را جستجو می‌کردند. با سر انگشت، خاکها را می‌کاویدند و کنار می‌زدند تا مگر نشانی از هریز به خون تپیده خود بیابند.

در آن دوروز ازدحام در برابر اوین بیشتر شد. خبر کشتار در همان روز جمعه در تهران و در سطح کشور پخش شده بود. پخش خبر به گونه‌ای انفجارگونه صورت گرفت. همه دهن بدن آنها منتقل کردند. همه آلهایی که هنوز خبر اعدام زندانی خویش را نشنیده‌

پول به همراه داشتند که اگر برای آزادی ضمانت خواستند بتوانند سند رابه گرو بگذارند. این خوشباوری تا ساعتی چند، پیش از آنکه نخستین مراجعه کننده رابه درون کمیته فراخوانند، ادامه یافت و آن گاه ضربه ناگهان فرود آمد، مثل فرش رعد در یک روز تابستان. در کمیته گل صحرای اولین نفری که نامش را خواندند برادر یک زندانی بود. او به داخل کمیته

زنجان (خیابان زنجان)، کمیته خاوران (نزدیک گورستان خاوران)، کمیته نازی آباد، کمیته تهران پارس، کمیته شمیرانات. اولین نوبت مراجعه ساعت ۹ صبح بود. ولی از ساعت ۶ صبح جلوی کمیته‌های فوق قفل شده بود. خانواده‌ها که بی‌تاب شده بودند همزمان با دمیدن روشنی روز خود را به مقرهای کمیته رسانده بودند. بعضی‌ها باخود سند منزل و

با افشای هر چه وسیع‌تر کشتار جمعی زندانیان سیاسی مبارزه برای آزادی زندانیان را گسترش دهیم!

که بقیه زندانیان را آزاد کرده‌اند. آزادی هرتعداد از زندانیان سیاسی شمره افشای روزافزون جنایات خمینی و انزوای رژیم در سطح جهان است و از آن باید استقبال کرد. اما مقدم بر آن باید نسبت به کشتارهای تازه اعلام خطر نمود. زیرا در شرایطی که هیچ برآوردی از تعداد زندانیان سیاسی باقی مانده در دست نیست و رژیم نیز به عمد از اعلام تعداد کسانی که مدعی آزادسازی آنهاست، سر باز می‌زند، در شرایطی که مطابق آخرین گزارشها، در همین ماه جاری نیز اعدامها تداوم داشته است، اعلام خبر آزادی زندانیان سیاسی و تنزل تعداد زندانیان در حد ۹۰۰ تن می‌تواند مقارن با اعدامهای تازه‌ای باشد.

علاوه بر این رژیم در صدد است در پشت تبلیغات پیرامون آزادی عده‌ای از زندانیان سیاسی، جنایت مخوف خود را از خاطرهای بزدلانه و بویژه در سطح جهانی بجای مساله کشتار زندانیان، هغو زندانیان رابه محور توجه بدل نماید.

در مقابل با این توطئه و وظیفه ما اینست که در این موقعیت که رژیم از سردرماندگی ناچار شده است "هغو" زندانیان را بپذیرد، فعالیت‌های مبارزاتی برای افشای کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران، برای نجات جان زندانیان باقیمانده و بالاخره برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی ایران را گسترش بخشیم.

گزارشی را که در این صفحه می‌خوانید، خلاصه گزارشی است که از تهران در باره جمعه سیاه چهارم آذر برای ما فرستاده شده است. این گزارش تنها گوشه‌هایی از کشتار خمینی در زندان‌های تهران را تصویر میکند و در دیگر تصاویری از بعد کشتار در دیگر زندانهای کشور نیست. با وجود این، گزارش مزبور و اطلاعات مندرج در آن ابعاد باور نکردنی فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که رژیم خمینی برای رها کردن گریبان خود از چنگ مساله زندانیان سیاسی چه جنایت هولناکی را سازمان داده و به اجرا در آورده است.

انبوه زندانیان سیاسی در سیاهچالهای رژیم بارزترین نهاد مقاومت مردم ایران در برابر رژیم سفاک و ضد مردمی فتقا بوده‌اند. رژیم خمینی که چشم‌انداز آینده را گسترش این مقاومت می‌بیند، با کشتار جمعی زندانیان سیاسی به منظور محو نهاد شکوهمند مقاومت، می‌کوشد خود را آماده مقابله نماید.

اکنون پس از آن همه کشتار بی‌آنکه هیچگاه شمار کشته‌شدگان را اعتراف کرده باشند، آنگونه که در صفحه ۴ می‌خوانید وجود تنها ۹۰۰ زندانی سیاسی را در زندانهای کشور می‌پذیرند و ضمن آزادسازی عده‌ای، مدعی می‌شوند

بقیه از صفحه اول
دیدار با هریزانشان در برابر اوین اجتماع کرده بودند، زندانیان چو انداختند که هغو عمومی در پیش است و لیست مشمول هغو شدگان تهیه شده است و تمامی آنها هتقریب آزاد خواهند شد. اما آنها از اسامی این عده و زمان آزادی آنان هیچ خبری ندادند. خانواده‌ها که از شوق آزادی هریزانشان بی‌تاب شده بودند، کمی بعد دسته‌جمعی به سازمان امور زندانها مراجعه کردند. مسئولین این سازمان به مثابه بخشی از مجریان این جنگ کثیف روانی، خبر را تایید نمودند و برای تکمیل آن نامه رسمی هغو زندانیان و لیست اسامی آنها را که تایپ شده و آمده در دست داشتند، نشان خانواده‌ها دادند. در بالای آن نامه این عبارات دیده می‌شد:

تاریخ: ۱۳۶۷/۸/۳
شماره: ۳/۳۰/۸۵۵۰
از دادستانی انقلاب اسلامی
به سازمان امور زندانها

خلاصه متن نامه این بود که افرادی که نامهایشان پیوست شده است، مشمول هغو امام شده‌اند. لیست اسامی پیوست نیز به خانواده‌ها نشان داده شد. نام مشهورترین زندانیان و استوارترین فرزندان خلق را هم در میان آن لیست گنجانیده بودند. روزهای بعد برای خانواده‌ها روزهای سرشار از دلهره بود. خبر آزادی قریب الوقوع فرزندانشان هافلگیرکننده بود. هریک از آنها با بیم و امید لحظه شماری می‌کردند. برای تکمیل آرایش این جنگ روانی، وزیر ساواک رژیم هم در اواخر آبان ماه در یک مصاحبه از هغو عمومی سخن گفت. اما با وجود این همه سر و صدا و صحنه آرائی، خانواده‌ها می‌دیدند که در همل طی این مدت هیچ کس آزاد نگردید و این آنها را مضطرب می‌ساخت.

بر زمینه چنین مقدماتی و قتیکه در روز دوم آذر تلفنی از خانواده‌ها خواستند که به کمیته مراجعه کنند، نخستین حدس این بود که باید لحظه آزادی و عده داده شده فرارسیده باشد. هیچ کس خود را برای شنیدن خبری آن هم مخوف آماده نکرده بود.

از نخستین ساعات روز جمعه چهارم آذر، خانواده‌ها به سوی کمیته‌ها به راه افتادند. کمیته‌هایی که برای مراجعه تعیین شده بودند، عبارت بودند از: کمیته گل صحرای (جاده ساوه)، کمیته

لیتراتورنایا گازتا: ایران در عراست

چاپ رساند.
در مقاله لیتراتورنایا گازتا به نقل از یک پناهنده ایرانی مقیم شوروی آمده است:
آنچه امروز در ایران رخ می‌دهد، واقعا ژنوسید (قتل‌عام) است. بهترین فرزندان ایران نابود می‌شوند. گناه آنان آزادیخواهی و تلاش در راه صلح بوده است. در ایران رهبران احزاب سیاسی مرفقی، روشنفکران مبارز و انقلابی، شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی مشهور و فعالین فرهنگی را قتل‌عام کردند و در گورهای دسته‌جمعی دفن نمودند. رژیم قرون وسطائی خمینی در حالیکه پایه‌های حکومتش لرزان شده است، خون می‌ریزد. ایران در هزاست...

در پایان این مقاله تاکید شده است "آنچه که خمینی و اطرافیانش مرتکب شده‌اند، می‌باید توسط یک کمیسیون سازمان ملل مورد بازدید و تحقیق قرار گیرد".

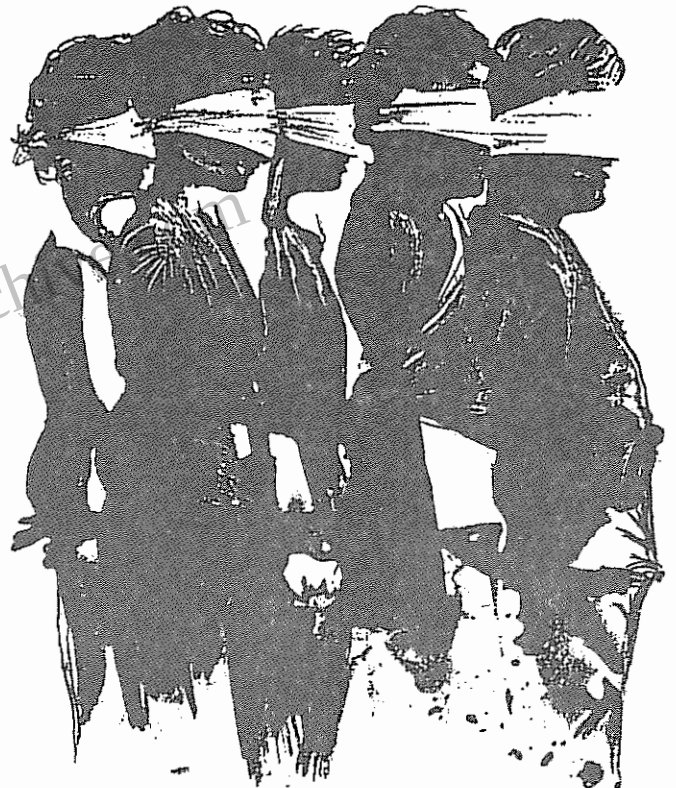
در حرکت اعتراضی دوازدهم دسامبر در مسکو ایرانیان مهاجر با خبرنگاران مطبوعات شوروی به گفتگو پرداختند. آنها با ارائه اسناد و عکس‌های جنایت رژیم خمینی، خواستار بازتاب آنها در رسانه‌ها گردیدند. علاوه بر این نمایندگان اجتماع کنندگان در مراجعه مستقیم به دفاتر روزنامه‌ها، اسناد و مدارک کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران را در اختیار آنها نهادند.

در پی این اقدامات، از جمله روزنامه‌هایی که خبر جنایت رژیم خمینی را بازتاب داد، هفته‌نامه پرتیراژ لیتراتورنایا گازتا بود که به نحوی برجسته آنرا منعکس ساخت. این روزنامه که با تیراژ ۲۵ میلیون نسخه هر هفته یک بار منتشر می‌شود در شماره ۲۱ دسامبر همراه با خبر کشتار زندانیان سیاسی ایران، عکسی از صحنه به دار کشیدن زندانیان در ایران و عکس دیگری از یک گور جمعی در گورستان خاوران (منتشره در اکثریت ۲۳۲) را به

از آنها تنها دو مینی‌بوس باقی ماند که برای بردن خانواده‌ها جهت دریافت وسایل کفایت می‌کرد. چندی بعد، پس از سالها پاسدارهای حرفه‌ای لونوپارک را تخلیه کردند. حاجی کربلائی درخیم هم دیگر به لونوپارک نمی‌آید. حفاظت از لونوپارک را به پاسدارهای وظیفه محول کردند. لونوپارک خلوت شد و از آن ازدحام جمعیت نشانی بر جای نماند.

رژیم خمینی مسئله زندانیان سیاسی را اینگونه "حل" کرد!

بودند، با اضطراب خود را به سردر زندانهای کشور رساندند. اما جلادان گوی در آن دوروزه استراحت می‌کردند! آنها از دادن هر خبری خودداری می‌نمودند. از دوشنبه هشتم آذرماه بار دیگر اعلام اسامی و تحویل وسایل آغاز شد. تنها در اوین از این روز تا پایان هفته هرروزه نام ۹۵ نفر را اعلام می‌کردند و وسایلشان را به خانواده‌هایشان تحویل می‌دادند. در این هفته سیاه در لونوپارک از مینی‌بوسهایی که پیش از این خانواده‌ها را برای ملاقات به محل زندان اوین می‌بردند، خبری نبود.



پرتیراژ

ЛИТЕРАТУРНАЯ ГАЗЕТА
21 ДЕКАБРЯ 1988 г.
Расправы в Иране № 51 (5221)
Бижан Экрами — иранский политэмигрант. В понедельник утром он пришел в редакцию, принес несколько фотографий (две из них мы публикуем) и рассказал о массовых казнях политических заключенных, осуществляемых правителями Ирана.
— То, что происходит сейчас на моей родине, — это далеко не полный список, — пояснил он. — По полученным нами данным, в городе Амол, например, на днях были

مسکو: اجتماع ایرانیان در برابر دفتر نمایندگی سازمان ملل

نباید در برابر این جنایات سکوت کند. شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی همچنین با مراجعه به دفتر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، نامه‌ای علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی به این دفتر دادند. در این نامه از حزب کمونیست شوروی خواسته شد که برای نجات جان بقیه زندانیان سیاسی تلاش نمایند.

و با وجود پنجمین بار محکومیتش در سازمان ملل به خاطر نقض خشن و مکرر حقوق بشر در ایران، در چهلمین سالگرد تصویب حقوق بشر همچنان کشتار می‌کند، ما از تمام احزاب و سازمان‌ها، دولت‌ها و شخصیت‌های مرفقی و تمام بشریت خواستاریم که رژیم خونریز خمینی را محکوم کرده و مانع از ادامه کشتار گردند. جهان

گردیدند. در بخشی از نامه مزبور آمده است:
- ما خواستار قطع فوری قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران و آزادی بی‌قید و شرط باقیمانده زندانیان هستیم.
- ما خواستار لغو مجازات اعدام هستیم.
- با توجه اینکه جمهوری اسلامی به هیچ قانون بین‌المللی پایبند نیست

در روز دوازدهم دسامبر گروهی از مهاجرین سیاسی ایرانی مقیم اتحاد شوروی به دفتر اطلاعاتی سازمان ملل در مسکو مراجعه کردند. آنها نامه‌ای را که در برابر آنزجار از جنایات رژیم خمینی در زندانهای کشور، تنظیم کرده بودند به مسئولین این دفتر دادند و خواستار ارسال آن به دبیرکل سازمان ملل متحد

ضد انقلاب افغانستان در تدارک قتل عام

نجيب الله: افراطيون قصد ادامه جنگ را دارند، بايد دفاع از ميمنه را خود بر عهده گيريم.

کابل صرفاً بر عهده اتحاد شوروی است که برای کابل پل هوایی برقرار کرده است.

نماینده‌ی سازمان ملل در کابل برای دویست و هشتمین بار یک یادداشت اعتراض از وزارت خارجه افغانستان در مورد نقض موافقت‌نامه ژنو از سوی دولت پاکستان دریافت کرد. یک گزارش روزنامه آمریکایی واشنگتن پست حاکی است خبرنگار این روزنامه شاهد عبور ۱۵ کامیون حامل اسلحه و نظامیان پاکستانی و آمریکایی از مرز پاکستان و افغانستان در ۴۰ مایلی شرق جلال‌آباد مرکز استان ننگرهار بوده است. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا از اظهار نظر در مورد این گزارش خودداری کرد.

گفتگوهای ادوارد شوارندادزه وزیر خارجه شوروی با مقامات پاکستانی در اسلام‌آباد موفقیت‌آمیز نبود. در اطلاعاتی مشترک منتشر شده پس از این دیدار، تنها تأکید شد که دوطرف مخالف حمام خون در افغانستان هستند، اما پاکستان از تعهد به عدم تحویل اسلحه به ضدانقلابیون افغانی خودداری کرد. همزمان با اقامت شوارندادزه در اسلام‌آباد، یولی وروتسوف معاون وی نیز در تهران مذاکراتی با مقامات جمهوری اسلامی در مورد اوضاع افغانستان انجام داد.

داود رزمیار، مسئول کمیته شهر کابل حزب دمکراتیک خلق افغانستان، طی یک سخنرانی برای حدود ۲۰ هزار عضو حزب در کابل، اظهار داشت: "با خروج نیروهای شوروی از پایتخت، تاحدی تشدید تشنج مشاهده می‌شود. ما در سازمانهای حزبی کابل اسلحه پخش کرده‌ایم تا هر یک از ما بتواند برای همدی که خلق افغانستان در راه آن این همه قربانی داده است، برزمد." در همین گردهمایی، نجیب‌الله رئیس‌جمهور افغانستان، تأکید کرد دولت کاملاً قادر است از عهده مقابله با اشرار مسلح برآید. وی افزود: "تنها یک انتخاب وجود دارد: ادامه راهی که تاکنون این همه از اعضای حزب مادر آن جان باخته‌اند، یا پیروزی. ما تا نفس آخر خواهیم جنگید!"

معنای طرفداری آنها از محاصره کابل و تحمیل گرسنگی به مردم شهر است.

در روزهای اخیر، بیش از ۳۰ هزارتن از مردان و زنان عضو حزب دمکراتیک خلق افغانستان سلاح دریافت کرده‌اند تا از میمنه خود دفاع کنند.

نجیب‌الله، رئیس‌جمهور افغانستان در روز سه‌شنبه ۱۸ بهمن در سخنانی در برابر فرماندهان نیروهای مسلح این کشور گفت رهبری افغانستان به همه امکان داده کار مسالمت‌آمیز برای سعادت کشور باز گردند، اما "بخش افراطی اپوزیسیون مسلح، می‌خواهد جنگ برادرکشی را ادامه دهد." رئیس‌جمهور افغانستان افزود پس از خروج نیروهای شوروی، واحدهای ارتش، نیروهای نظامی محلی و

مجددی، اعلام کرده‌اند در صورت انتخاب حکمت‌یار، "دولت موقت" را به رسمیت نخواهند شناخت.

به گزارش خبرگزاری تاس، هم‌اکنون در شمال و غرب کابل، حدود ۶۰۰ گروه اپوزیسیون یک نیروی نظامی شامل ۱۷ هزار نفر متمرکز کرده‌اند. این گزارش می‌افزاید به استثنای واحد کوچکی که امنیت فرودگاه کابل را بر عهده دارد، همه نیروهای شوروی از این منطقه خارج شده‌اند و تجهیزات و پایگاههای خود را به نیروهای ارتش افغانستان تحویل داده‌اند. شمار غیرنظامیانی که در روزهای اخیر کشته شده‌اند، بسیار افزایش یافته است. در استان ننگرهار، اپوزیسیون مسلح می‌کوشد جلال‌آباد، مرکز این



زنان مسلح عضو نیروی شبه‌نظامی مدافع انقلاب افغانستان

واحدهای قبایل باید بطور مستقل وظیفه دفاع از میمنه را بر عهده گیرند.

خبرگزاری تاس در گزارشی نوشت وضعیت نظامی در افغانستان وخیم‌تر نشده است، اما همچنان بفرنج است. طبق این گزارش، رهبران ائتلاف هفتگانه پیشاور هلیبرقم کوششهای گسترده، نتوانسته‌اند جلال‌آباد، گردیز، غزنی و قندهار را تصرف کنند. این در حالی است که در این مراکز استان‌ها، از هشت یا شش ماه پیش دیگر هیچ نیروی نظامی شوروی وجود ندارد.

سازمان ملل قصد دارد برای تأمین مواد غذایی شهر کابل، میان اسلام‌آباد و کابل یک پل هوایی برقرار کند. اما به دلایل نامعلوم هنوز پروازی صورت نگرفته است. هنوز تأمین آذوقه

استان را به تصرف خود در آورد تا در آنجا "دولت موقت" خود را مستقر کند.

برخی از رهبران ضدانقلاب افغانستان بطور آشکار از تدارک قتل‌عام سخن می‌گویند. به احترام عبدالحق، یک سرکرده ضدانقلابیون در حوالی کابل، جمعی از سرکردگان اپوزیسیون مسلح این منطقه می‌خواهند تا آنجا که می‌توانند موشک و سلاحهای سنگین به حلقه محاصره کابل بیاورند و با تمرکز آتش بر روی شهر، آن را تصرف کنند. گروهی دیگر از ضدانقلابیون که می‌دانند چنین حمله‌ای به شکست خواهد انجامید، تظاهر به "انساندوستی" می‌کنند و می‌گویند با آتش‌باران کابل مخالفند، اما در همین حال، "انساندوستی" این جماعت، به

شهر راولپنڈی پاکستان از روز جمعه ۲۱ بهمن شاهد تشکیل اجلاس شورای ۵۰۰ نفری اپوزیسیون افغانستان برای انتخاب "دولت موقت" است. در این شورا، از هر یک از احزاب هفتگانه "اتحاد پیشاور" مستقر در پاکستان، ۵۰ نماینده، و از مجموع احزاب "ائتلاف مشنگانه" مورد حمایت جمهوری اسلامی، ۸۰ نماینده شرکت دارند. علاوه بر این، جمعی از افغانی‌های مقیم اروپا و آمریکان نیز به این شورا نماینده فرستاده‌اند.

نمایندگان شورای مزبور توسط رهبران احزاب اپوزیسیون منصوب شده‌اند. بر سر تعیین سهمیه گروههای سنی مستقر در پاکستان و احزاب شیعه مورد حمایت رژیم خمینی، تا آخرین روزهای پیش از تشکیل اجلاس "شورا" کشمکش ادامه داشت و بالاخره با دخالت جمهوری اسلامی و دولت پاکستان، نسبت ۴۲۰ به ۸۰ تعیین شد.

اما علاوه بر این، جمعی از سرکردگان دستجات مسلح که در داخل افغانستان فعالیت می‌کنند نیز، نسبت به ترکیب شورا اعتراض دارند. از جمله، احمد شاه مسعود و عبدالحق از رهبران نظامی دستجات مسلح مستقر در اطراف کابل، بعنوان اعتراض در این شورا شرکت نکرده‌اند. آنها خواهان تعیین سهمیه‌ای برای فرماندهان نظامی ضدانقلاب مستقر در افغانستان، در ترکیب نمایندگان شورا هستند. همچنین بسیاری از آوارگان افغانی ساکن پاکستان، شورا را نماینده خود نمی‌دانند و علیه آن دست به تظاهرات زده‌اند. گروهی از آنها روز جمعه برای حضور در جلسه شورا راهی راولپنڈی شدند، اما برگزار کنندگان این اجلاس با ایجاد راهبندان در

پیشاور و راولپنڈی و جستجوی اتوبوسها و متبرضین، راه پیشاور باز گردانند. اعتراض مخالفان، بیش از همه علیه گلبدين حکمت‌يار سرکرده "حزب اسلامی" است که قصد دارد خود در راس "دولت موقت" قرار گیرد. نیروهای سنت‌گرا مانند دستجات گیلانی و

حزب کمونیست پاراگوئه همچنان ممنوع است

هلیرقم سرنگونی اشتروسنر دیکتاتور فرتوت پاراگوئه، حزب کمونیست این کشور همچنان ممنوع است. ژنرال آندرس رودریگز دیکتاتور جدید، در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد اجازه شرکت حزب کمونیست را در انتخابات ریاست جمهوری در اول ماه مه نخواهد داد.

وزیر خارجه جدید پاراگوئه بدون ذکر جزئیات، برگزاری انتخابات در این کشور را اعلام کرد در درون اپوزیسیون، این نگرانی وجود دارد که برگزاری سریع انتخابات با هدف تداوم سلطه حزب حاکم کلورادو صورت می گیرد.

از میان سایر رویدادها

مذاکرات دولت فلیپه گونزالس نخست وزیر اسپانیا با اتحادیه های بزرگ سندیکایی این کشور درباره خواستهای اتحادیه ها، به نتیجه نرسید و اتحادیه های سندیکایی اعلام کردند بسیج برای اقدامات گسترده توده ای جدیدی را آغاز می کنند.

پلیس سیاسی ترکیه روز دوشنبه ۶ فوریه سه وکیل مدافع کوتلو و سارگین رهبران حزب کمونیست این کشور را بازداشت کرد. پلیس با یورش به دفتر این وکلا که در محاکمه کوتلو و سارگین دفاع از آنها را برعهده دارند، هلاوه بر خود وکلا، ۶ مومکل را نیز بازداشت کرد.

بیش از ۱۴۰ تن سرنشین یک هواپیمای مسافری آمریکایی که از ایتالیا به مقصد دوبینیک در پرواز بود در سانحه سقوط این هواپیما در مجمع الجزایر آژور در اقیانوس اطلس کشته شدند. یک گروه ناشناخته تروریستی اعلام کرد در این هواپیما بمب کار گذاشته بود.

طبق گزارش که برای کمیته وزرای خارجه کشورهای مشترک المنافع تهیه شده است، سیاست تجاوزکارانه آفریقای جنوبی علیه کشورهای همسایه از سال ۱۹۸۰ تاکنون باعث کشته شدن ۱/۱ میلیون نفر و خساراتی معادل ۳۵ میلیارد دلار شده است.

تروز سه شنبه ۷ فوریه سربازان اسرائیلی بار دیگر به چند روستا واقع در "نوار امنیتی" جنوب لبنان حمله کردند و با حمایت مزدوران متشکل در "ارتش جنوب لبنان" خانه ها را مورد تفتیش قرار دادند.

به گزارش روزنامه آمریکایی "اس آنجلس تایمز"، انحصار تسلیحاتی مسراسمیت - بولکو - بلوم در آلمان فدرال از آغاز دهه ۸۰ نقش محوری را در تولید موشکهای بالیستیک میان برد که از جمله می توانند کلاهکهای شیمیایی و اتمی حمل کنند، برای مصر، آرژانتین و عراق، ایفا کرده است.

به دنبال انتشار یک گزارش تلویزیونی درباره تولید یک موشک اتمی میان برد در آلمان فدرال، دولت بن دستور قطع این پروژه را داد. آلمان فدرال سلاحهای اتمی ندارد و طبق قرارداد بین المللی منع گسترش سلاحهای هسته ای مجاز به تولید این نوع سلاحها نیز نیست.

پیشنهاد آتش بس السالوادور:

عدم حصول چنین توافقی، انتخابات را در تاریخ ۱۹ مارس که پیش بینی شده است، برگزار خواهند کرد.

تحت فشار ابتکار سیاسی جبهه فارابوندومارتی، خاوسنا کاندیدای دمکرات مسیحی ها اعلام کرده است اگر در انتخابات پیروز شود، بلافاصله با انقلابیون مذاکرات صلح را آغاز خواهد کرد، و نتیجه مذاکرات را در ۱۵ سپتامبر به رای عمومی مردم خواهد گذاشت.

گیلرمو وانگو، کاندیدای ریاست جمهوری "تجمع دمکراتیک" که ائتلاف احزاب چپ است، خواهان این گردید که احزاب سیاسی به پیشنهاد جبهه فارابوندومارتی بعنوان یک امر استراتژیک، و نه یک تاکتیک، برخورد کنند.

دان کوئل، معاون رئیس جمهور آمریکایی دیدار کوتاهی از السالوادور با رهبران حزب شبه فاشیستی آرناء، حزب دمکرات مسیحی و فرماندهان ارتش گفتگو کرد. وی گفت ایالات متحده از توافقی احتمالی احزاب برای به تعویق انداختن انتخابات و نیز ارائه پیشنهاد مقابلی در برابر پیشنهاد انقلابیون، حمایت خواهد کرد.



سرکوب خونین اپوزیسیون، کارکرد روزمره ارتش السالوادور است

مذاکرات نیروهای سیاسی و اجتماعی لهستان

شکل گیری الگوی دمکراسی لهستان، اعلام شده است. در گفتگوها، از جمله لخ والسا، رهبر اتحادیه همبستگی شرکت دارد.

"گفتگوهای میزگرد" توسط کیشچاک، وزیر کشور لهستان آغاز شد. وی در سخنان خود پیشنهاد کرد در لهستان نظام اجتماعی جدیدی ایجاد شود که مبنای آن، الگوی نوینی از کارکرد دولت باشد. به گفته وزیر کشور لهستان، بخش مهمی از این الگو را باید پلورالیسم سندیکایی تشکیل دهد.

جبهه رهایی بخش ملی فارابوندومارتی السالوادور، به منظور تدارک انتخابات ریاست جمهوری این کشور، پیشنهاد کرد میان نیروهای این جبهه و دولت السالوادور یک آتش بس ۶۰ روزه برقرار شود. انقلابیون السالوادور در همین حال به دولت هشدار دادند که پاسخی قطعی به پیشنهاد به تعویق انداختن انتخابات برای ۶ ماه بدهد.

در السالوادور همچنان موضوع ابتکار جدید میهن پرستان این کشور در صدر مباحث احزاب سیاسی قرار دارد. همانگونه که قبلاً گزارش دادیم، طبق این پیشنهاد، در صورت به تعویق افتادن انتخابات و قطع اقدامات سرکوبگرانه علیه اپوزیسیون، جبهه فارابوندومارتی در انتخابات شرکت کرده، نتایج آن و مشروعیت دولت برآمده از آن را به رسمیت خواهد شناخت. دواتر رئیس جمهور فعلی، نخست این پیشنهاد را رد کرد. اما اکنون وی و خاوسنا، کاندیدای حزب حاکم دمکرات مسیحی برای ریاست جمهوری، اعلام کرده اند خواهان توافق احزاب سیاسی در مورد این مسئله هستند، و در صورت

روز دوشنبه ۷ فوریه در مقر شورای وزیران لهستان در ورشو، نخستین دور مذاکرات نیروهای سیاسی و اجتماعی مختلف این کشور برای پایان دادن به بحران، که به "گفتگوهای میزگرد" معروف است، آغاز شد.

در این مذاکرات، ۵۷ نماینده از سوی نیروهای اجتماعی مختلف، که همگی بر ضرورت جستجوی راه برون رفت از بحران تاکید دارد، شرکت می کنند. نخستین هدف عمومی مذاکرات، تعیین جهات ادامه رشد کشور و

محمود بهکیش

۲۰ سال نبرد در راه رهایی مردم



پیوند با سازمان می‌دید. او سرانجام در سال ۵۵ آن هنگام که تجربه چند ساله مبارزه صفی و سیاسی را پشت سر داشت - با سازمان ارتباط یافت. پس از ارتباط با سازمان به تهران منتقل شد. در سال ۶۰ رفیق محمود مورد شناسایی گشتی‌های ساواک قرار گرفت و دستگیر گردید. ساواک وی را شدیداً تحت شکنجه قرار داد. رفیق محمود پس از تحمل شکنجه‌های فراوان ابتدا به حبس ابد و سپس به ده سال زندان محکوم شد. او نیز همچون جمع کثیری از زندانیان سیاسی دوران شاه، در آستانه انقلاب رهایی یافت.

رفیق محمود در سال ۵۹ به سازمان پیوست. او پس از ضربات سال ۶۰ توسط جلادان خمینی بازداشت شد و سرانجام پس از ۲۰ سال نبرد در راه رهایی مردم، در کشتار اخیر زندانیان سیاسی، به همراه برادرش رفیق هلی بهکیش (از فعالان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران - اقلیت) تیرباران شد.

با شهادت رفقا محمود و هلی بهکیش، خانواده بهکیش ۶ عزیز خود (۵ فرزند و یک داماد) را از دست داد. یادشان جاودان باد و راهشان پررئو باد.

فدایی قهرمان رفیق محمود بهکیش در جریان موج تازه کشتار جمعی زندانیان سیاسی، به شهادت رسید.

رفیق محمود، انقلابی پربخته و کادر دلاور سازمان ما در سال ۱۳۳۰ در مشهد تولد یافته بود. او در دوران دانش‌آموزی محصلی سعی بود که هم به دلیل تلاش در درس و مطالعه و هم به دلیل فعالیت‌های ورزشی‌اش مورد توجه همگان بود. او در سال ۱۳۵۰ وارد دانشگاه فردوسی مشهد شد و بلافاصله نقش برجسته‌ای در جنبش دانشمویی در این دانشگاه یافت. رفیق محمود در سال ۵۱ توسط ساواک دستگیر شد. پس از آزادی از زندان مجدداً به دلیل نقش برجسته‌اش در تظاهرات ۱۶ آذر سال ۵۲ دانشگاه فردوسی دستگیر و به یک سال زندان محکوم گردید. رفیق محمود پس از آزادی از زندان، با تجربیاتی که در طول اسارت آموخته بود، به کارسازمانگزارانه پرداخت. ابتدا یک محفل مطالعاتی را بنیاد نهاد که از میان آن کادرهای برجسته‌ای همچون رفیق شهید حمید زیان برخاستند. رفیق محمود ضمن انتقاداتی که به مشی چریکی داشت، فدائیان را شایسته‌ترین نیروی انقلابی ایران می‌دانست و شرط تداوم مبارزه خود را در

پیام حزب دموکراتیک خلق افغانستان

به کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی،
با درد و دریغ بسیار خبر شهادت رفقای دربند توده‌ای، فدایی و سایر زندانیان سیاسی را که اخیراً در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران با نقض صریح اصول و ارزش‌های مندرج در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصول و موازین تمدن بشری اعدام گردیده‌اند، دریافت داشتیم.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک افغانستان همه اعضای حزب ما و تمام نیروهای مترقی و صلح دوست جامعه افغانی خود را در این قم و رنج برادران ایرانی شریک می‌دانند و مراتب تسلیت و همدردی خود را به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همه رفقای ایرانی و خانواده‌های بازماندگان رفقای اعدام شده ابراز می‌دارند.

این اعدام‌های گروهی زمانی ضرورت می‌پذیرد که تراژدی جنگ طولانی برادر کشی ایران و عراق که قم و اندوه فراوان جانگناه و ویرانی‌های عظیم برای مردمان هر دو کشور به بار آورده، متوقف گردیده است. هاتلانه می‌بود اگر رهبری جمهوری اسلامی ایران با درس‌های فراوانی که از گذشته گرفته شده می‌توانست و بادر نظر داشت رنج بیکرانی که مردم ایران سالها است آن را به دوش می‌کشند نه کشتار بلکه رهایی زندانیان سیاسی را در دستور روز قرار می‌دادند و به حیثیت و کرامت انسان احترام می‌گذاشتند. ولی آنجا متأسفانه راه بی سرانجام را در پیش گرفته‌اند.

تاریخ مبارزات قهرمانانه و مشحون از افتخارات مردم ایران بارها اثبات نموده که ظلم، بی‌عدالتی، اختناق و زندان، شکنجه و اعدام نمی‌توانند و نخواهد توانست اراده مردم ایران را برای دستیابی به دموکراسی، عدالت و ترقی در هم شکنند.

با باور به اینکه اقدامات ممانع همه نیروهای سیاسی ایران می‌توانند از ادامه قاجار اعدام‌های ظالمانه و شیرانسانی جلوگیری کند. ما با صدای رسا همبستگی خویش را با شما اعلام می‌داریم.

اندیشه، روان، احساس قلب و وجدان انسانی حکم می‌کند، منافع و مصالح امر صلح، امنیت و عدالت می‌طلبد تا جامعه بین‌المللی برای متوقف ساختن کشتارها و اعدام‌های زندانیان ایران به اقدامات موثر و فوری دست زند. ما مصداقاً با شما رفقا از جامعه بین‌المللی می‌خواهیم تابی درنگ در این جهت تمام نیرو و امکانات خود را به کار اندازند.

ما با صدای رسا اعلام می‌داریم که این اعدام‌ها و هرگونه عمل خلاف حیثیت و کرامت انسانی را محکوم می‌دانیم.

- درود باد به آثانی که به خاطر سعادت و آزادی انسان برای مقدس‌ترین آرمان‌های انسانی بی‌هراس می‌رزمند.

درو دبر روان پاک شهدای گلگون کفن ایرانی

بادر و دهای گرم رفیقانه

حزب دموکراتیک خلق افغانستان دسامبر ۱۹۸۸

آزادیخواهان افغانستان

در دفاع از زندانیان سیاسی ایران

افغانستان در یکی از دشوارترین دوره‌های تاریخ حیات خود بسر می‌برد. در چنین شرایطی پیشروان مردم این کشور برای تأمین صلح و آرامش و حفظ استقلال و یکپارچگی میهن مبارزه سختی را از سر می‌گذارند. با وجود این آنها در موقعیتی این همه حساس نیز در انطباق با آرمانهای آزادیخواهانه و

انساندوستانه خویش به یاری مردم ما آمده و جنایات رژیم خمینی را در زندانهای ایران محکوم می‌کنند. پیام کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به کمیته مرکزی سازمان ما که متن آن را در همین صفحه خوانده‌اید، احساسات پیشروترین بخش مردم افغانستان را بازتاب می‌دهد و بقیه در صفحه ۳

AKSARIYAT
NO. 245
MONDAY, 13 FEB

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY